

روح نظریه تذر

در نگاه ملاصدرا به تعقل

علی اصغر جعفری ولنی، استادیار گروه فلسفه دانشگاه شهید مطهری
زینب محمدنژاد*، دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

چکیده

ملاصدرا در تبیین ادراک، بویژه ادراک عقلی، از سویی با توجه به مبانی فلسفه اش - از قبیل اصالت و تشکیک وجود، مساوت وجود با علم و حرکت جوهری - دیدگاهی خاص و متفاوت با گذشتگان دارد و از سوی دیگر، نظریه قدم نفس افلاطون را بر اساس کینونت نفس در عالم مفارقات، همسو با دیدگاه خود درباره حدوث جسمانی نفس تلقی میکند؛ چراکه این کینونت در عالم مفارقات و عقول مجرد بصورت جزئی و ناقص نبوده و نفس در قوس نزول با حرکت جوهری جسم، حدوث جسمانی می یابد و در قوس صعود دوباره به عالم عقول بازمیگردد. این سیر وجودی همان سیر معرفتی نیز هست. بهمین سبب، در ادراک عقلی نفس عالم عقل را مشاهده میکند، همان عالمی که در ابتدای قوس نزول در آن وجودی عقلی داشته است.

با در نظر گرفتن درهم تنیدگی وجودشناسی و معرفتشناسی در فلسفه ملاصدرا، همانگونه که سیر نفس انسان در عوالم وجود سعه وجودی او را بدنبال دارد، رحلت از هر کدام از عوالم بسوی عالم دیگر، تکامل ادراکات از حسی و خیالی به عقلی را نیز در پی دارد. ملاصدرا درباره ادراکات عقلی برخلاف ادراکات حسی و خیالی، قائل به افاضة مفاهیم عقلی از سوی

عقول مفارق به نفس و مشاهده از دور آنها توسط نفس است. بنابراین علیرغم اینکه ملاصدرا نظریه تذر افلاطون را نپذیرفته، نگاه خاص او به ادراک عقلی میتواند نوعی تذر و یادآوری باشد؛ گرچه بر اساس تفاوت مبانی افلاطون و ملاصدرا نمیتوان این دورا کاملاً منطبق بر یکدیگر دانست.

کلیدواژگان:

ملاصدرا	افلاطون
قدم نفس	تذر
تعقل	مشاهده از دور

طرح مسئله

علیرغم اینکه نظریه افلاطون درباره قدم نفس را بسیاری از فلاسفه نمیپذیرند و معتقدند وجود نفس پیش از تعلق به بدن موجب تناسخ باطل است، ملاصدرا آن را پذیرفته و به توجیه آن پرداخته و در تأیید آن به روایات نیز استناد کرده است. نظریه محوری افلاطون در معرفتشناسی که پیوندی نزدیک با نظریه مثل دارد به نظریه «تذر» مشهور

(نویسنده مسئول) Email: mohamadnejad.z@gmail.com *

تاریخ تأیید: ۹۳/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۳